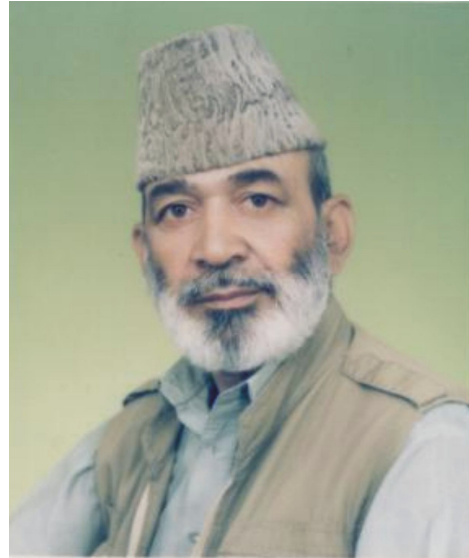


حکایت جناب حضرت سلطان حسین بایقرا



دوستان عزیز و خواننده گان محترم!

چنین روایت بوده که جناب حضرت سلطان حسین بایقرا هم یکی از بنده گان خدا خواسته حضرت پروردگار عالم بوده که موصوف در سال ۸۴۲ هـ ق در شهر هرات باستان دیده دنیا گشوده و هفت ساله بوده که پدر خود را از دست داده و از آن به بعد تحت تربیه سالم بی بی فیروزه بیگم مادر مهربانش قرار داشت که در عین جوانی بقدرت سلطنت رسیده و حکمروایی تماماً سرزمین خراسان را بدست گرفته و شهر زیبای هرات را پایتخت خود قرار داده اند. و نامبرده در حدود ۳۸ سال سلطنت نموده و به عمر هفتاد سالگی چشم از جهان پوشیده و از دنیای فانی به عالم دارلبقا پیوسته که در همان جا دفن گردیده و فعلا خاک آنبارک زیارت گاه عام و خاص مردم بوده و است.

به هر صورت: جناب حضرت سلطان حسین بایقرا بر علاوه یکه خودش یک شخص تصوفی

و فقیر کامل بوده ولیکن سخت دوستدار اهل هنر ، صنعت ، ادبیات ، و تصوف بوده که بطور همیشه عالمان و شاعران را مورد نوازش شان قرار میداد اند .
از جانب هم موصوف یک وزیر عاقل و دانشمند بنام نظام الدین علی شیرنوایی داشت که نامبرده در علم سیاست ، اجتماعی ، ادبیات دری ، و فرهنگی توانایی کامل داشت . و در آن زمان یک کتابخانه بزرگ را بنام امیر علی شیرنوایی نموده که روزانه به تعداد صدها شاگرد بمصرف شخصی آن سلطان علم پرور و معارف دوست در آن محل جمع شده و استفاده مینمودند .
و از همان تاریخ تا بحال کتابخانه موصوف شهرت جهانی داشته که روح ایشان شاد و یاد شان گرامی باد .

والله اعلم بالصواب

ماه قوس ۱۳۷۷ مطابق برج دسمبر ۱۹۹۸

عزیز حیدری

از شهر گوتنبرگ

سویدن

AzizHaidari@hotmail.com